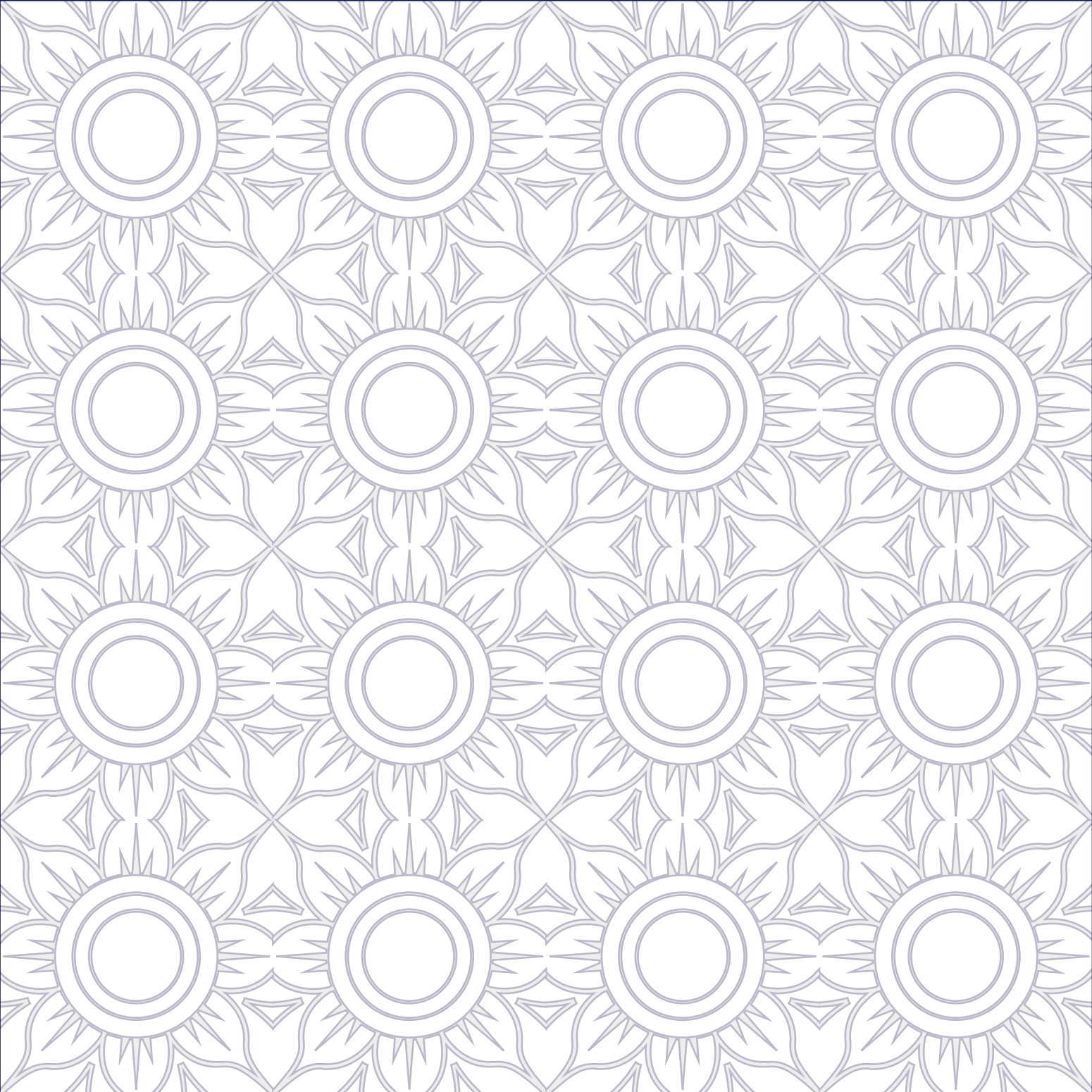


بررسی نظام قیمت گذاری
در جهان و تجربیات ایران


بسم الله الرحمن الرحيم



گزارش سیاستی

بررسی نظام قیمت‌گذاری در جهان و تجربیات ایران

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

پژوهشکده
مطالعات فناوری

شناسنامهٔ گزارش

عنوان گزارش:

بررسی نظام قیمت‌گذاری در جهان و تجربیات ایران

عنوان پروژه:

تهیه، تدوین و مستندسازی گزارش‌های سیاستی معاونت هماهنگی و نظارت اقتصادی و زیربنایی معاون اول رئیس‌جمهور

کارفرما:

معاونت هماهنگی و نظارت اقتصادی و زیربنایی معاون اول رئیس‌جمهور

مدیر پروژه:

دکتر محمدصادق صارمی

تدوین گزارش:

ندا علم‌الهدی

ویراستار:

مهرداد شیرقاضی

طراح جلد و صفحه‌آرا:

علی قربی

تاریخ انتشار:

مهر ماه ۱۴۰۴

فهرست

خلاصه مدیریتی ۱

۱. بیان مسئله ۵

۲. دلایل مسئله ۱۱

۳. گزینه‌های سیاستی بدیل و راه‌حل‌های قابل ارائه ۱۹

۳-۱. تاریخچه نظام قیمت‌گذاری در جهان ۲۱

۳-۲. قیمت‌گذاری در کشورهای توسعه‌یافته ۲۲

۳-۳. تجربیات کشورهای در حال توسعه ۲۳

۳-۴. تجربیات کشورهای عربی ۲۳

۳-۵. بررسی اجمالی تجربیات قیمت‌گذاری در ایران ۲۴

۳-۶. سیر تاریخی نظام قیمت‌گذاری در ایران (قبل از انقلاب اسلامی) ۲۵

۳-۷. سیر تاریخی نظام قیمت‌گذاری در ایران (بعد از انقلاب اسلامی) ۲۷

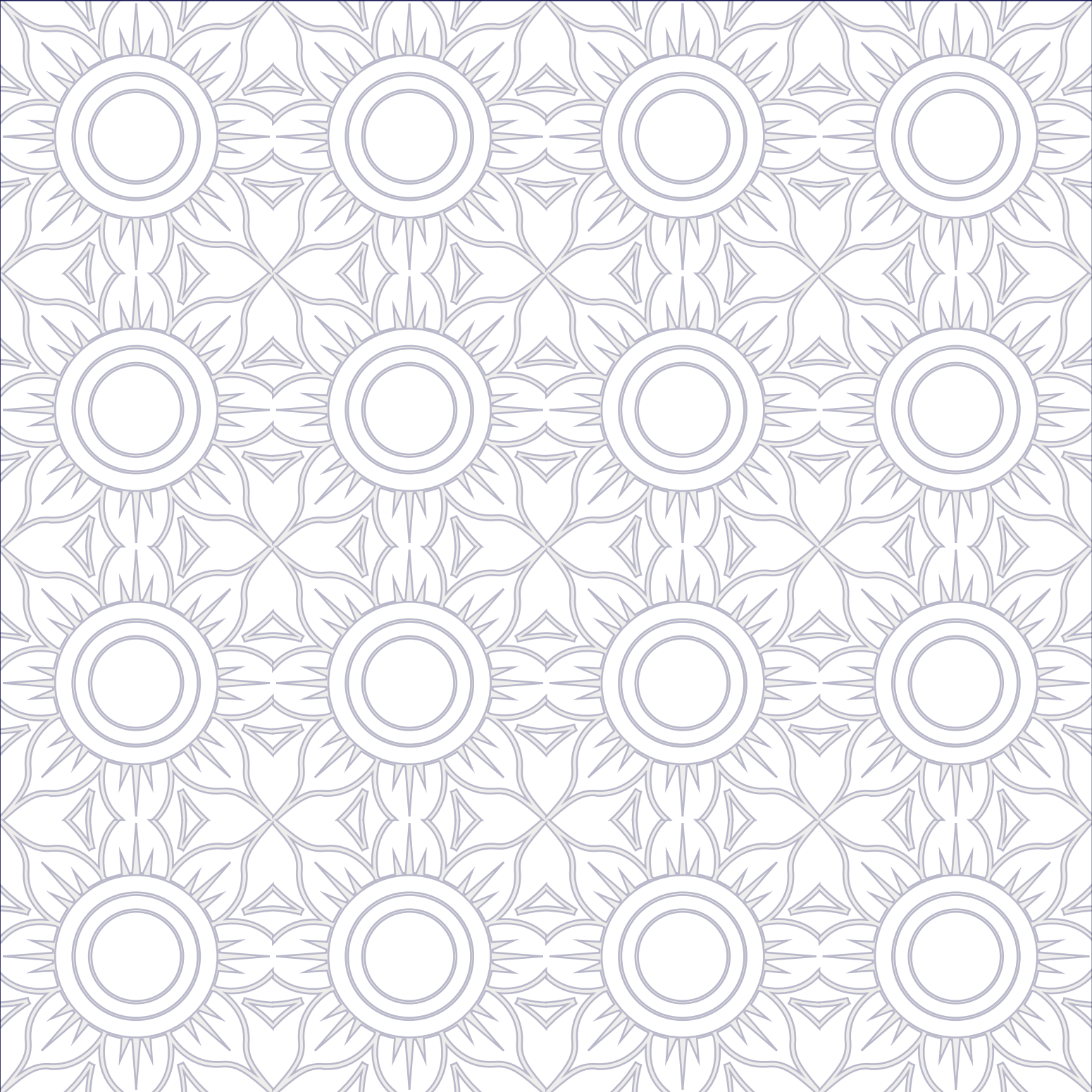
۳-۸. نهادهای متولی قیمت‌گذاری در ایران ۳۱

۳-۹. آسیب‌شناسی تعدد نهادهای متولی قیمت‌گذاری در ایران ۳۲

۳-۱۰. کالاهای مشمول قیمت‌گذاری در ایران ۳۳

۴. گزینه‌های سیاستی پیشنهادی ۳۴

منابع ۴۱



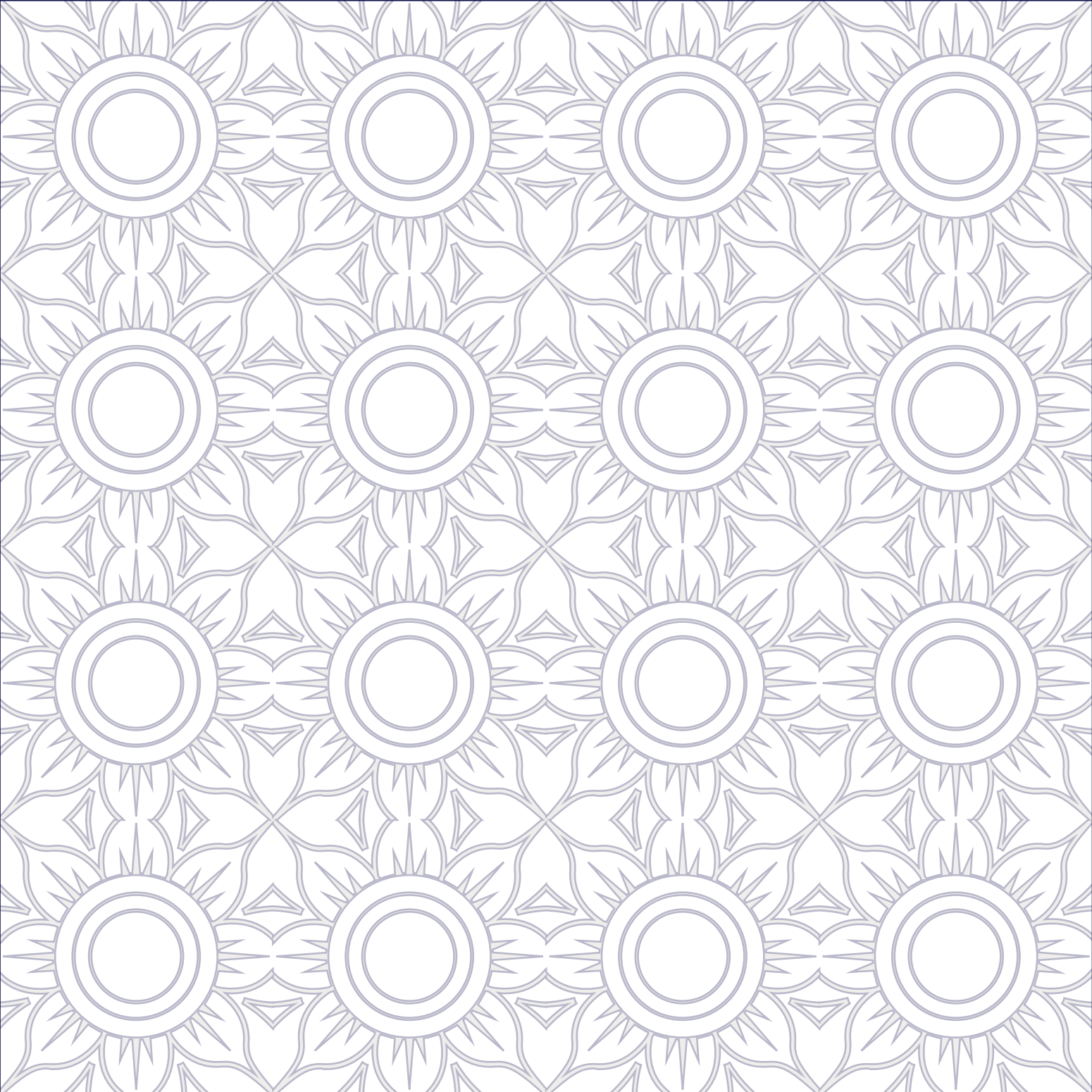
خلاصه مدیریتی

نظـام قیمت‌گـذاری یکی از ارکان اساسـی اقتصاد اسـت که به تعیین ارزش کالاهـا و خدمات در بازارها کمک می‌کند. این نظام، تأثیرات عمیقی بر تمامی جنبه‌های اقتصادی، از جمله تولید، توزیع و مصرف دارد و درنهایت بر رفاه جامعه می‌گذارد. یک نظام قیمت‌گذاری صحیح، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند به رشد اقتصادی پایدار، ایجاد اشـتغال و بهبود سـطح زندگی منجر شـود. در واقع، تعیین قیمت مناسـب برای کالاها و خدمات، تولیدکنندگان را به تولید بیشـتر و باکیفیت‌تر تشـویق کرده و به مصرف‌کنندگان نیز کمک می‌کند تا با دسترسی به قیمت‌های منصفانه و شفاف، تصمیمات خرید بهتری اتخاذ کنند. بااین‌حال، نظام قیمت‌گذاری در عمـل بـا چالش‌های متعددی مواجه اسـت. عواملی همچون تغییرات در شـرایط اقتصاد جهانی، نوسـانات قیمـت نفـت، تحریم‌ها و تغییرات نرخ ارز می‌توانند بر قیمت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیرگذار باشـند. علاوه بر این، مداخله‌های غیرضروری دولت در فرایند تعیین قیمت‌ها ممکن است به اختلال در عملکرد بازار و ناکارآمدی‌های اقتصادی منجر شـود. همچنین، نوسـانات شـدید قیمت‌ها می‌تواند اعتماد عمومی به بازار را کاهش داده و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را مختل کند. بررسـی نظام قیمت‌گذاری در سـطح جهانی و مقایسـه آن با تجربیات ایران، به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود کمک می‌کند. از طریق شناخت نقاط قوت

و ضعف نظام‌های قیمت‌گذاری مختلف، می‌توان سیاست‌ها و راهکارهای مؤثرتری برای بهبود وضعیت اقتصادی ایران ارائه داد. به‌ویژه در دنیای امروز که تغییرات سریع اقتصادی، اجتماعی و فناوری بر بازارها تأثیر می‌گذارد، ضرورت وجود یک نظام قیمت‌گذاری کارآمد و منصفانه بیش از پیش احساس می‌شود. نظام قیمت‌گذاری نه‌تنها بر اقتصاد کلان، بلکه بر سطح زندگی افراد نیز تأثیر می‌گذارد. تجربه جهانی قیمت‌گذاری نشان می‌دهد که هیچ رویکرد واحدی به‌تنهایی موفق نیست. برای مثال، ترکیب روش‌های مختلف قیمت‌گذاری، همراه با سیاست‌های حمایتی و نظارتی مناسب، می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها کمک کند. دستیابی به یک نظام قیمت‌گذاری کارآمد، نیازمند ترکیبی متوازن از سازوکارهای بازار، نظارت مؤثر و حمایت‌های هوشمندانه دولتی است. این ترکیب می‌تواند به ایجاد تعادل میان منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان کمک کرده و در نتیجه، به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی منجر شود. اصلاح نظام قیمت‌گذاری در ایران که سال‌ها با چالش‌هایی نظیر مداخله‌های دولتی، نوسانات ارزی و مشکلات ساختاری مواجه بوده، نیازمند یک رویکرد جامع و چندبُعدی است. این مهم به معنای آن نیست که باید رویکرد بازار (آزاد) را بی‌درنگ مبنای کار قرار داد؛ بلکه اصلاحات باید به‌تدریج و با آگاهی کامل صورت پذیرد. بااین‌وجود، باید در نظر داشت که رویکرد مبتنی بر بازار می‌تواند در قیمت‌گذاری برخی کالاها مفید واقع شود. در ادامه، برخی اقدامات پیشنهادی برای اصلاح نظام قیمت‌گذاری در ایران ارائه می‌شود. باید تأکید کرد که هدف از اعمال این اصلاحات، حرکت ج.ا.ایران به سمت یک نظام قیمت‌گذاری کارآمدتر است که هم تولید و رقابت را تشویق کند و هم به بهبود رفاه عمومی منجر شود. اقدامات پیشنهادی عبارت‌اند از:

- حذف تدریجی قیمت‌گذاری دستوری
- تقویت رقابت در بازار
- کاهش مداخلات غیرضروری دولتی
- تثبیت سیاست‌های پولی و مالی
- حمایت از تولید داخلی
- شفافیت در اطلاعات اقتصادی
- تغییر در ساختار یارانه‌ها
- ایجاد بسترهای مناسب برای تجارت الکترونیک
- اصلاح نظام مالیاتی
- کاهش موانع بوروکراتیک برای تولید و واردات

اجرای این سیاست‌ها و الگوها، مستلزم اراده سیاسی، همکاری مؤثر میان بخش خصوصی و دولت و ایجاد بسترهای قانونی و زیرساختی مناسب است. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از تجربیات کشورهای موفق و از طریق طراحی و اجرای یک نظام قیمت‌گذاری کارآمدتر، به رشد اقتصادی و رفاه عمومی بیشتری دست یابد. تجربیات موفق جهانی می‌تواند منبع الهام ارزشمندی باشد، اما این تجربیات باید با توجه به شرایط خاص ایران و چالش‌های ناشی از تحریم‌ها بومی‌سازی شوند. بااین‌حال، هرگونه اصلاح باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در عین حفظ عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، به تقویت اقتصاد و کاهش اثرات منفی تحریم‌ها کمک کند.



بررسی نظام قیمت‌گذاری در جهان و تجربیات ایران

۱. بیان مسئله

سقف و کف قیمت، هزینه‌ای اجتماعی ایجاد می‌کنند که از آن با عنوان «رفاه ازدست‌رفته[۱]» یاد می‌شود [۱]. دلیل این هزینه آن است که کنترل قیمت‌ها مانع از انجام برخی معاملاتی می‌شود که در قیمت تعادلی می‌توانستند میان خریداران و فروشندگان صورت گیرند. در یک بازار آزاد (کنترل‌نشده)، قیمت تعادلی، مازاد کل (مجموع مازاد مصرف‌کننده و تولیدکننده) را به حداکثر می‌رساند؛ اما کنترل قیمت‌ها این تعادل را مختل کرده و رفاه کلی را کاهش می‌دهد. بااین‌حال، باید توجه داشت که اگرچه مداخله دولت در قیمت‌گذاری می‌تواند به چنین هزینه‌هایی منجر شود، اما در مواردی، ورود آن برای تعیین قیمت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. دولت‌ها معمولاً برای دستیابی به اهداف مرتبط با رفاه اجتماعی، سیاست‌های کنترل قیمت را اعمال می‌کنند. این اهداف شامل مواردی همچون محافظت از مصرف‌کنندگان کم‌درآمد در برابر قیمت‌های بالا (مانند کنترل اجاره‌بها) و تضمین درآمد کشاورزان یا کارگران (مانند تعیین کف قیمت کشاورزی یا حداقل

۱. deadweight loss: هزینه‌ای است که بر اثر ناکارآمدی بازار برای جامعه ایجاد شده و زمانی رخ می‌دهد که عرضه و تقاضا از تعادل خارج شوند.

دستمزد) است. بااین‌حال، اگرچه کنترل قیمت ممکن است به اهداف کوتاه‌مدت دست یابد، اما تئوری اقتصادی نشان می‌دهد که این سیاست‌ها با مختل کردن بازارها، به پیامدهای منفی بلندمدت از جمله ناکارآمدی، کاهش انگیزه برای نوآوری و تأثیرات نامطلوب بر عرضه و کیفیت منجر می‌شوند. بر اساس این تئوری، اگرچه کنترل قیمت گاهی برای رفع برخی نارسایی‌های بازار یا ایجاد تسکین فوری برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به کار می‌رود، اما معمولاً به پیامدهای ناخواسته‌ای همچون کمبود عرضه، مازاد تقاضا، شکل‌گیری بازارهای سیاه و ناکارآمدی منجر می‌شود. ازاین‌رو، بسیاری از اقتصاددانان استدلال می‌کنند که راه‌حل‌های مؤثرتری مانند یارانه‌ها، مالیات‌ها یا حمایت‌های نقدی مستقیم دولت، می‌توانند این مسائل را بدون ایجاد اختلال در سازوکار قیمت‌ها، بهتر برطرف کنند. با توجه به این پیچیدگی‌ها، در ادامه به بررسی دیدگاه‌های مختلف و استدلال‌های موافقان و مخالفان نظام‌های قیمت‌گذاری می‌پردازیم تا تصویری جامع از این حوزه ارائه شود.

استفاده نوین از کنترل مستقیم قیمت و دستمزد به عنوان یک ابزار سیاست‌گذاری اقتصادی، ریشه در سال‌های آغازین جنگ جهانی دوم دارد. البته، تلاش‌های حکومت‌های مرکزی برای تثبیت قیمت‌ها و تعیین دستمزدها سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و قدمت آن تقریباً به اندازه خودِ مبادله کالا است. در جنگ جهانی اول نیز دولت‌های اصلی درگیر، به طور گسترده‌ای اقدام به تعیین قیمت و دستمزد کردند؛ بااین‌حال، رویکرد آن‌ها تفاوت‌های چشمگیری با اقدامات صورت‌گرفته در جنگ جهانی دوم داشت. در واقع، این رویکرد جامعِ کنترل قیمت و دستمزد در جنگ جهانی دوم، توسط تمام کشورهای اصلیِ درگیر در جنگ، به استثنای چین، به کار گرفته شد.

اقتصاددانـان بـا هرگونـه اتکای گسـترده به کنتـرل قیمت و دسـتمزد مخالفت می‌کردنـد. دلایل این مخالفت، صرف‌نظر از ملاحظات ایدئولوژیک که در شرایط اضطراری جنگ کنار گذاشته شده بود، ساده بود: اقتصاددانان معتقد بودند که این اقدام، اولاً غیرعاقلانه و ثانیاً غیرممکن است. این باور که کنتـرل عمومی قیمت و دسـتمزد غیرعاقلانه اسـت، چندان به دلیل عدم قطعیت دربـاره نتایج آن نبود، بلکه بیشـتر ناشـی از اطمینان آن‌ها درباره آسـیب‌های قطعی این سیاسـت بود. هدف از کنترل قیمت، جلوگیری از تورم، یعنی افزایش عمومی و مسـتمر قیمت‌ها و دسـتمزدها، بدون ارتباط با تغییرات واقعی در تولیـد بـود. علـت ایـن افزایش قیمت، به صورت سـاده، مازاد تقاضای کل نسـبت بـه عرضه موجود کالاهـا و خدمـات بود. از دیدگاه این اقتصاددانان، تثبیت قیمت‌ها و دسـتمزدها، مشـکل اصلی، یعنی همان مازاد تقاضا را که عامل اصلی این حرکت صعودی بود، برطرف نمی‌کرد [۲].

تحریـف قیمـت[1] بـه وضعیتـی اطـلاق می‌شـود کـه «قیمت‌هـا و سـطح تولیـد بالاتـر یـا پایین‌تر از مقـداری باشـد کـه معمـولاً در یـک بـازار رقابتـی شـکل می‌گیـرد.» یکـی از منابـع چنیـن تحریفاتی، سیاسـت کنتـرل قیمـت اسـت. کنتـرل قیمت سـابقه‌ای طولانـی دارد و نمونه‌هـای مسـتندی از آن به دوران فرانسـه انقلابـی بازمی‌گـردد. در قرن بیسـتم، این سیاسـت‌ها به‌طور گسـترده در چندین کشـور غربی در طول جنگ جهانی دوم مورد اسـتفاده قرار گرفت و به اوج خود رسـید. کنترل‌های گسـترده قیمت در ایالات متحده و بریتانیا در دهه ۱۹۷۰ نیز نمونه‌های دیگری از این سیاسـت هسـتند. علاوه بـر ایـن کنترل قیمت در کشـورهای کمونیسـتی بـا اقتصادهای برنامه‌ریزی‌شـده، مانند لهسـتان، یک ابـزار فراگیـر بود. در دهـه ۱۹۸۰، با کاهش تورم جهانـی، دولت‌ها سیاسـت مقررات‌زدایی را در پیش

1. Price Distortion

گرفتند و در نتیجه، کنترل‌های عمومی قیمت‌ها کنار گذاشته شد. بااین‌حال، کنترل قیمت برای برخی کالاها و خدمات خاص، از جمله اجاره‌بها و داروها، تا به امروز مورد استفاده قرار می‌گیرد. همان‌طور که بیان شد، کنترل قیمت می‌تواند به روش‌های مختلفی اعمال شود. این سیاست‌ها ممکن است شامل سقف قیمت[1] یا کف قیمتی[2] برای کالاها و خدمات منتخب از سوی مقامات دولتی باشند. علاوه بر این، کنترل قیمت توسط دولت همچنین می‌تواند نتیجه جانبیِ سایر سیاست‌ها باشد [۳]. نظریه‌های مدرن اقتصاد خرد در حوزه کنترل قیمت تا حد زیادی در پاسخ به نیاز برای تحلیل وضعیت تولیدکنندگان کالا در کشورهای در حال توسعه شکل گرفتند. در سال‌های اخیر، در کشورهای نوظهور و در حال توسعه، کنترل قیمت برای فرآورده‌های نفتی به‌طور گسترده مطالعه شده، اما به کنترل قیمت محصولات غذایی توجه کمتری شده است. مطالعات متعددی به بررسی اصلاحات یارانه‌ای در بازارهای انرژی این کشورها پرداخته‌اند. در مقابل، استفاده از کنترل قیمت برای محصولات دارویی، دستمزدها و اجاره‌بها در اقتصادهای پیشرفته به‌طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است [۳].

نظام‌های قیمت‌گذاری، ساختارها و مدل‌هایی هستند که کشورها یا بازارها برای تعیین و تنظیم قیمت کالاها و خدمات به کار می‌برند. این نظام‌ها انواع مختلفی دارند که هر یک دارای ویژگی‌ها، مزایا و معایب خاص خود است.

1. Price Ceiling
2. Price Floor

- **نظام قیمت‌گذاری آزاد**[1]

در این مدل، قیمت‌ها بر اساس عرضه و تقاضا تعیین شده و دولت در آن مداخله نمی‌کند. این نوع نظام در اقتصادهای بازار آزاد رایج است.

- **نظام قیمت‌گذاری دستوری**[2]

در این مدل، دولت قیمت‌ها را به‌صورت مستقیم تعیین می‌کند. این نظام معمولاً برای کالاهای اساسی و در شرایط بحرانی اقتصادی استفاده می‌شود. در کشورهایی مانند ایران و ونزوئلا، دولت‌ها برای کنترل تورم و حمایت از اقشار کم‌درآمد، قیمت بعضی از کالاها، به‌خصوص کالاهای اساسی را به‌صورت دستوری تعیین می‌کنند. این رویکرد در کوتاه‌مدت ممکن است به ثبات قیمت‌ها کمک کند، اما در بلندمدت می‌تواند به کمبود کالاها و ایجاد بازار سیاه منجر شود.

- **نظام قیمت‌گذاری تدریجی**[3]

این نظام شامل تغییرات تدریجی در قیمت‌ها است، به‌طوری‌که دولت یا نهادهای تنظیم‌کننده به‌تدریج قیمت‌ها را بر اساس تغییرات بازار تنظیم می‌کنند.

- **نظام قیمت‌گذاری حمایتی**[4]

در این مدل، دولت برای حمایت از تولیدکنندگان، کف قیمت برای کالاها تعیین می‌کند. این رویکرد به‌ویژه در بخش کشاورزی کاربرد دارد. در مقابل، برخی کشورها، به‌ویژه در دوران بحران‌های

1. Free Pricing System
2. Price Control System
3. Gradual Price Adjustment
4. Support Pricing System

اقتصـادی، بـرای حمایت از مصرف‌کنندگان، سـقف قیمت برای کالاهای اساسـی تعیین می‌کنند. این سیاسـت می‌تواند از افزایش ناگهانی قیمت‌ها جلوگیری کند، اما اجرای موفق آن مسـتلزم نظارت دقیق و مؤثر است.

- **نظام قیمت‌گذاری ترکیبی[1]**

این نظام، ترکیبی از قیمت‌گذاری آزاد و دستوری است. به‌طوری‌که در برخی کالاها، قیمت‌ها به‌صورت آزاد تعیین شده و در برخی دیگر، دولت قیمت‌ها را کنترل می‌کند.

- **نظام قیمت‌گذاری بر اساس معیارهای اجتماعی[2]**

این مدل شـامل تعیین قیمت‌ها با توجه به معیارهای اجتماعی و اقتصادی اسـت. به‌طوری‌که قیمت‌ها به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند که به عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری کمک کنند.

- **نظام قیمت‌گذاری دینامیک[3]**

این نظام شامل تغییر قیمت‌ها بر اساس شرایط بازار و تقاضا است. به‌عنوان مثال، در صنایع گردشگری و حمل‌ونقل، قیمت‌ها ممکن است بر اساس زمان و تقاضا متغیر باشند.

انتخـاب مـدل قیمت‌گـذاری در هر کشـور به شـرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسـی آن بسـتگی دارد. انتخاب مدل مناسـب، مسـتلزم بررسـی دقیق نیازها و اولویت‌های اقتصادی اسـت تا به تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی کشـور منجر شود [۴].

1. Hybrid Pricing System
2. Social Pricing System
3. Dynamic Pricing System

۲. دلایل مسئله

کنترل قیمت، چالش‌های جدی برای رشد، توسعه و سیاست‌های دولت ایجاد می‌کند. اگرچه این سیاست‌ها ممکن است با نیت خیرخواهانه برای بهبود نتایج اجتماعی معرفی شوند، اما شواهد نشان می‌دهد که کنترل قیمت اغلب به تضعیف رشد و توسعه، ایجاد بار مالی برای دولت و کاهش اثربخشی سیاست پولی منجر شود. یکی از دلایل اصلی این امر، انحراف الگوی مصرف است. کنترل قیمت، مصرف را به سمت کالاهای یارانه‌ای سوق داده و از کالاهای غیر یارانه‌ای دور می‌کند. علاوه‌بر این، زمانی که قیمت‌های جهانی رو به افزایش است یا این سیاست‌ها با موانع ورود به بازار همراه می‌شوند، کنترل قیمت اغلب به شکل‌گیری نظام‌های یارانه‌ای ناکارآمد و پنهان می‌انجامد. چنین وضعیتی، هزینه‌های سنگین اجتماعی، مالی و زیست‌محیطی به همراه دارد و پیامدهای نامطلوبی بر سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد بهره‌وری برجای می‌گذارد [۳]. بانک جهانی در گزارشی، با تأکید بر موضع مخالف خود نسبت به مداخله در نظام قیمت‌گذاری، بیان می‌کند که استفاده از نظام کنترل قیمت به دلایل متعددی، پیامدهای نامطلوبی برای رشد اقتصادی بر جای می‌گذارد. برای مثال، سقف قیمت می‌تواند حاشیه سود تولیدکنندگان را کاهش داده و سرمایه‌گذاری داخلی و فعالیت‌های کارآفرینی را تضعیف کند؛ همان‌طور که این پدیده در بخش حمل‌ونقل زیمبابوه مشاهده شد. نظام‌های کنترل قیمت همچنین ممکن است تخصیص منابع را به سمت بخش‌های یارانه‌ای منحرف کنند. در کشورهای با درآمد پایین، این موضوع اغلب در بخش کشاورزی قابل مشاهده است، جایی که کنترل قیمت محصولات نهایی با یارانه‌های نهاده‌های تولید (به‌ویژه کود) همراه شده است. بااین‌حال،

چنین سیاست‌هایی می‌تواند سبب کاهش بهره‌وری، تشدید نابرابری درآمدی و استفاده ناکارآمد از نهاده‌های یارانه‌ای شوند. همچنین، این سیاست‌ها می‌توانند انگیزه پذیرش فناوری‌های نوین و بهره‌ور را تضعیف کنند [۵]. شواهد تجربی نشان می‌دهند که اصلاحات ساختاری بازارمحور، از جمله کاهش کنترل‌های قیمت و یارانه‌های مرتبط، با بهبود بهره‌وری در سطح شرکت در کشورهای درحال‌توسعه و نوظهور ارتباط مستقیمی دارد. در مقابل، در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، یارانه‌های سنگین انرژی، که اغلب با کنترل قیمت همراه هستند، با رشد تولید سرانه پایین‌تری مرتبط بوده‌اند. علاوه بر این، کنترل قیمت با منحرف کردن الگوی مصرف به سمت کالاهای یارانه‌ای، می‌تواند به کمبود مزمن این کالاها، شکل‌گیری بازارهای موازی (سیاه) با قیمت‌های بالاتر و عرضه جایگزین‌های بی‌کیفیت منجر شود.

کنترل قیمت در بخش مالی، مانند تعیین سقف برای نرخ بهره، می‌تواند بازارهای مالی را مختل کند. این اقدامات، عرضه اعتبار را، به‌ویژه برای وام‌گیرندگان معتبر و شرکت‌های کوچک‌ومتوسط، کاهش می‌دهد. این وضعیت می‌تواند به پیامدهای منفی متعددی نظیر کاهش رقابت و نوآوری در بازارهای مالی، افزایش سطح وام‌های غیرجاری و گسترش وام‌دهی غیررسمی ختم شود. علاوه‌بر این، این سیاست‌ها می‌توانند با محدود کردن دسترسی اقشار کم‌درآمد به اعتبارات، نابرابری را تشدید کنند. درعین‌حال، کنترل قیمت و یارانه‌های محصولات انرژی نیز ممکن است آسیب‌پذیری کشورها را در برابر تغییرات اقلیمی افزایش داده و مانع از گذار به یک اقتصاد کم‌کربن و سازگار با اقلیم شود. کنترل قیمت می‌تواند چالش‌های قابل‌توجهی در حوزه سیاست اجتماعی و اقتصاد سیاسی

ایجاد کند. این سیاست، به‌ویژه زمانی که با یارانه‌های سنگین همراه باشد، ابزاری ناکارآمدی برای توزیع مجدد درآمد داخلی است. این سیاست‌ها معمولاً ناعادلانه‌اند، زیرا قشر ثروتمندتر جامعه که معمولاً مصرف‌کنندگان شهری هستند، به‌دلیل مصرف بیشتر کالاهای یارانه‌ای، به شکل نامتناسبی از آن منتفع می‌شوند. به‌عنوان مثال، مطالعات نشان داده‌اند که یارانه‌های بنزین و گاز مایع، ماهیتی به‌شدت قهقرایی دارند؛ به این معنا که سهم بسیار کوچکی از این یارانه‌ها به فقیرترین اقشار جامعه می‌رسد. این سیاست‌ها همچنین چالش‌های مالی فزاینده‌ای ایجاد می‌کند. در واقع، کنترل قیمت، مجموعه‌ای از مالیات‌ها و یارانه‌های پنهان را بر اقتصاد تحمیل می‌کند. اجرای این سیاست‌ها نیز ممکن است به وضع مقررات اضافی، مانند سهمیه‌بندی برای کنترل مصرف و تولید، نیاز داشته باشد. در نهایت، نظام کنترل قیمت معمولاً به یک بار فزاینده بر بودجه دولت و بدهی‌های عمومی، یا کاهش سودآوری تولیدکنندگان، منجر می‌شود [۳].

در اکثر اقتصادهای پیشرفته و در بسیاری از کشورهای در حال ظهور، سیاست پولی نقش عمده‌ای در مهار تورم و دستیابی به نرخ‌های پایین و با ثبات ایفا کرده است؛ موقعیتی که اغلب در چارچوب نظام‌های «هدفمند تورم» حاصل شده است. کلید موفقیت این راهبرد، شفافیت و تمرکز بر اهداف میان‌مدت و بلندمدت بوده است. علاوه بر این، کشورهای کم‌درآمد، به دلیل سهم بالای غذا و انرژی در سبد مصرفی خود، در برابر اثرات سرریزِ ناشی از سیاست‌های کنترل قیمت سایر کشورها، آسیب‌پذیرتر هستند. مطالعات نشان داده‌اند که تلاش‌های هر کشور برای مهار اثرات شوک‌های قیمت جهانی کالاها در بازارهای داخلی، می‌تواند به تشدید پیامدهای

منفی این افزایش قیمت‌ها در سطح جهانی منجر شود. جایگزینی کنترل قیمت با شبکه‌های ایمنی اجتماعی هدفمند، همراه با اصلاحات ساختاری، می‌تواند هم به نفع اقشار آسیب‌پذیر و هم در راستای رشد اقتصادی باشد. در واقع، سیاست‌های کاهش یارانه‌ها (که اغلب زیربنای کنترل قیمت هستند) با رشد بالاترِ تولید سرانه مرتبط است. دلیل این امر آن است که صرفه‌جویی حاصل از کاهش یارانه‌ها می‌تواند صرف تأمین مالیِ طرح‌های زیرساختی و آموزشی شود که به افزایش بهره‌وری منجر می‌شوند. بنابراین، حذف کنترل قیمت باید با حمایت هدفمند از اقشار آسیب‌پذیر همراه باشد. برای مثال، در هند، این اصلاحات با پرداخت‌های نقدی هدفمند و در برزیل، با حمایت‌های هدفمند در بخش انرژی همراه بود. بااین‌حال، مراحل مختلف این اصلاحات باید به دقت زمان‌بندی‌شده و به‌خوبی اطلاع‌رسانی شوند [۳]. تقویت فضای رقابتی، در مقایسه با کنترل قیمت، ابزار مؤثرتری برای کاهش هزینه‌ها برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است. قوانین کارآمد ضد انحصار و حمایت از مصرف‌کننده، از ارکان اصلی چارچوب نهادیِ حامی سازوکار بازار محسوب می‌شوند. در واقع، یک چارچوب قانونی و نظارتیِ مشوق رقابت، راهکاری مؤثرتر برای حل بسیاری از مشکلاتی است که کنترل قیمت مدعی رفع آن‌هاست. اگرچه کنترل قیمت در اقتصادهای پیشرفته نیز به کار می‌رود، اما این سیاست در کشورهای در حال توسعه و کم‌درآمد، به‌ویژه برای کالاهای انرژی، فراگیرتر است. با آنکه این سیاست‌ها اغلب با اهداف خیرخواهانه اجتماعی اجرا می‌شوند، اما معمولاً به اختلال در بازارها منجر شده و پیامدهای منفی آن بر رشد، فقرزدایی و سیاست‌های دولت به مرور زمان تشدید می‌شود. کشورها می‌توانند این سیاست‌ها

را با شبکه‌های ایمنی اجتماعی هدفمند، همراه با اصلاحاتی برای تشویق رقابت و ایجاد یک چارچوب نظارتی کارآمد[1]، جایگزین کنند. شواهد نشان می‌دهد که چنین رویکرد اصلاحیِ جامعی می‌تواند هم به نفع اقشار کم‌درآمد و هم در راستای رشد اقتصادی باشد [۳]. در مجموع، مخالفان اصلاحات قیمت‌گذاری عموماً با استناد به دلایل مختلفی با تغییر در نحوه قیمت‌گذاری کالاها و خدمات مخالفت می‌کنند. در ادامه، برخی از رایج‌ترین استدلال‌های آن‌ها ارائه می‌شود:

- **تأثیر بر مصرف‌کنندگان کم‌درآمد:** منتقدان اغلب استدلال می‌کنند که اصلاحات قیمت‌گذاری، به‌ویژه در بخش‌های حساس نظیر انرژی، بهداشت و خدمات عمومی، ممکن است به‌طور نامتناسبی بر اقشار کم‌درآمد فشار وارد کند [۶].
- **اختلال در بازار:** برخی از مخالفان، به‌ویژه در میان فعالین اقتصادی، استدلال می‌کنند که اصلاحات قیمت‌گذاری می‌تواند منجر به عدم اطمینان در بازارها شود. برای مثال، مداخلات قیمتی (مانند سقف یا کف قیمت) می‌تواند سازوکار عرضه و تقاضا را مختل کرده و به کمبود عرضه یا ناکارآمدی در تخصیص منابع منجر شود [۷].
- **نگرانی‌های تورمی:** برخی اصلاحات، مانند حذف یارانه‌ها یا اجرای سیاست قیمت‌گذاری کربن، می‌تواند سطح عمومی قیمت‌ها[2] را افزایش داده و به تورم دامن بزند. به باور مخالفان، این وضعیت می‌تواند قدرت خرید مصرف‌کنندگان را کاهش داده و رشد اقتصادی را مختل کند [۸].

1. Effective Regulatory Framework
2. General Price Level

- **رقابت و سودآوری:** کسب‌وکارها، به‌ویژه در بخش‌هایی مانند انرژی، داروسازی و مخابرات، ممکن است استدلال کنند که کنترل‌های قیمت، توانایی آن‌ها را برای رقابت و سرمایه‌گذاری در نوآوری محدود می‌کند.
- **اپوزیسیون سیاسی:** اصلاحاتی که شامل مداخله دولت در قیمت‌گذاری می‌شود (مالیات، کف و سقف قیمت) اغلب با مخالفت سیاسی گروه‌هایی مواجه می‌شوند که از کنترل کمتر دولت حمایت می‌کنند. این مخالفان استدلال می‌کنند که چنین اصلاحاتی می‌تواند منجر به ناکارآمدی، بوروکراسی و پیامدهای اقتصادی ناخواسته شود.
- **اثرات قهقرایی:** برخی اصلاحات قیمت‌گذاری به دلیل ماهیت قهقرایی خود مورد انتقاد قرار می‌گیرند؛ به این معنا که بار مالی آن‌ها به شکل نامتناسبی بر دوش اقشار کم‌درآمد، در مقایسه با گروه‌های پردرآمد، سنگینی می‌کند. به‌عنوان مثال، اعمال مالیات ثابت بر کربن یا سوخت، ممکن است بر خانوارهای کم‌درآمدی که بخش بزرگ‌تری از بودجه خود را صرف انرژی می‌کنند، فشار مالی بیشتری وارد کند [۳].

شدت و ماهیت مخالفت با اصلاحات قیمت‌گذاری تا حد زیادی به بستر، بخش اقتصادی و نوع اصلاحات پیشنهادی بستگی دارد. در مقابل، حامیان این اصلاحات شامل افراد، سازمان‌ها و مؤسساتی می‌شوند که خواهان تغییر در سازوکارهای قیمت‌گذاری برای بهبود کارایی اقتصادی، ارتقای عدالت و رسیدگی به چالش‌های زیست‌محیطی یا اجتماعی هستند. این اصلاحات می‌تواند حوزه‌هایی مانند بهداشت و درمان، محیط زیست، حمل‌ونقل، انرژی و خدمات عمومی

را هدف قرار دهد. در ادامه، برخی از حامیان کلیدی اصلاح قیمت‌گذاری و حوزه‌های تمرکز آن‌ها معرفی می‌شوند:

- **اقتصاددان‌ها و مؤسسه‌های دانشگاهی:** اقتصاددانان بر این باورند که سازوکارهای کارآمد قیمت‌گذاری، مانند «قیمت‌گذاری پویا» یا «دریافت هزینه از کاربر[1]»، به تخصیص بهینه منابع منجر می‌شود. از این رو، بسیاری از اقتصاددانان از اصلاحاتی همچون کاهش یارانه‌ها، حذف انحرافات قیمتی و معرفی نظام‌های مالیاتی یا قیمت‌گذاری حمایت می‌کنند که هزینه‌های واقعی تولید و مصرف (از جمله پیامدهای جانبی مانند آلودگی) را منعکس کند [۹].
- **فعالان محیط‌زیست و اقلیم:** سازمان‌های زیست‌محیطی از سازوکارهای قیمت‌گذاری دفاع می‌کنند که نشان‌دهنده هزینه واقعی زیست‌محیطی منابع و آلودگی است، مانند قیمت‌گذاری کربن یا اصلاحات قیمت‌گذاری آب [۱۰].
- **حامیان اصلاحات بهداشت و درمان:** در بخش مراقبت‌های بهداشتی، طرفداران اصلاحات برای کاهش هزینه‌ها بر شفافیت قیمت و رقابت فشار آورده و از تغییرات در قیمت‌گذاری دارویی و خدمات مراقبت‌های بهداشتی حمایت می‌کنند [۱۱].
- **اتاق‌های فکر سیاست عمومی و سازمان‌های غیردولتی:** سازمان‌هایی مانند موسسه بروکینگز و بنیاد هریتیج اغلب از اصلاحات قیمت‌گذاری مبتنی بر بازار در بخش‌هایی مانند حمل‌ونقل، خدمات آب و برق و خدمات عمومی حمایت می‌کنند [۱۲].

1. User Fees

- **گروه‌های حمایت از مصرف‌کننده:** گروه‌های مصرف‌کننده برای قیمت‌گذاری منصفانه و حذف اقدامات ناعادلانه مانند افزایش قیمت، هزینه‌های پنهان یا قیمت‌گذاری انحصاری فشار می‌آورند [۱۳].
- **حامیان دولت و بخش عمومی:** سیاست‌گذاران گاهی برای بهبود کارایی خدمات عمومی، اصلاحات قیمت‌گذاری را پیش می‌برند؛ به‌ویژه در بخش‌هایی مانند حمل‌ونقل (از طریق قیمت‌گذاری تراکم)، آب و برق (با اجرای قیمت‌گذاری مبتنی بر مصرف) و منابع زیست‌محیطی (با وضع مالیات کربن) [۱۴]. هدف از این اصلاحات، اغلب کاهش کسری بودجه عمومی یا دستیابی به اهداف زیست‌محیطی است [۱۵].
- **کارشناسان حمل‌ونقل و شهرسازی:** برنامه‌ریزان شهری و کارشناسان حمل‌ونقل از قیمت ازدحام و عوارض پویا برای مدیریت جریان ترافیک، کاهش ازدحام و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای حمایت می‌کنند. این اصلاحات قیمت‌گذاری برای کارآمدتر کردن سامانه‌های حمل‌ونقل با اعمال قیمت‌های بالاتر در ساعات اوج مصرف برای کاهش تقاضا طراحی شده‌اند [۱۶].
- **حامیان اصلاحات انرژی:** طرفداران اصلاحات در بخش انرژی از قیمت‌گذاری پویای انرژی و حذف یارانه انرژی حمایت می‌کنند تا هزینه واقعی تولید و اثرات زیست‌محیطی را منعکس نماید [۱۷]. آن‌ها اصلاحاتی را ترویج می‌کنند که پذیرش انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی را با تنظیم ساختارهای قیمت‌گذاری برای انعکاس تقاضا و هزینه‌های زیست‌محیطی تشویق کند [۱۸].

- **سازمان‌های بین‌المللی:** نهادهای جهانی مانند سازمان ملل متحد و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اصلاحات قیمت‌گذاری را برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار به‌ویژه در زمینه قیمت‌گذاری آب، انرژی و مواد غذایی ترویج می‌کنند [۱۹].
- **رهبران و نوآوران بخش خصوصی:** برخی شرکت‌ها و صنایع خصوصی از اصلاحات قیمت‌گذاری برای ایجاد بازارهای رقابتی‌تر یا دستیابی به اهداف پایداری، حمایت می‌کنند. برای مثال، شرکت‌های فعال در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر یا وسایل نقلیه الکتریکی، ممکن است از اصلاحاتی مانند قیمت‌گذاری کربن، که هزینه‌های واقعی (از جمله هزینه‌های زیست‌محیطی) سوخت‌های فسیلی را در قیمت نهایی منعکس کند، حمایت کنند. [۲۰].
- در مجموع، حامیان اصلاحات قیمت‌گذاری دارای خاستگاه‌های گوناگونی هستند، اما همگی بر بخش‌هایی تمرکز دارند که در آن‌ها، سازوکارهای بهینه قیمت‌گذاری می‌تواند به بهبود کارایی، عدالت و پایداری منجر شود. اقتصاددانان، فعالان محیط‌زیست، حامیان مصرف‌کننده و دولت‌ها، هر یک از اصلاحات متناسبی برای رفع نارسایی‌های بازار، جبران هزینه‌های زیست‌محیطی یا کاهش نابرابری‌های اجتماعی می‌کنند.

۳. گزینه‌های سیاستی بدیل و راه‌حل‌های قابل ارائه

نظام قیمت‌گذاری با توجه به ساختار اقتصادی و شرایط خاص هر کشور، متفاوت است. بااین‌وجود، می‌توان دو رویکرد اصلی را از یکدیگر متمایز کرد:

۱. قیمت‌گذاری مبتنی بر بازار: این نظام در کشورهای توسعه‌یافته و دارای اقتصاد آزاد رایج است و در آن، قیمت‌ها به‌طور طبیعی از طریق تعامل میان عرضه و تقاضا شکل می‌گیرند. در این رویکرد، رقابت میان تولیدکنندگان به نوآوری و افزایش کیفیت منجر می‌شود؛ اما ممکن است نوسانات قیمتی و نابرابری‌های اقتصادی را نیز به همراه داشته باشد.

۲. قیمت‌گذاری دستوری (دولتی): این رویکرد معمولاً در کشورهای در حال توسعه یا در مواقع بحران شکل می‌گیرد و در آن، دولت‌ها برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از بحران‌های اجتماعی، به تنظیم بازار مبادرت می‌ورزند. این مداخله می‌تواند شامل تعیین سقف یا کف قیمت، اعطای یارانه برای برخی کالاها و خدمات، و کنترل عرضه باشد. اگرچه این نوع قیمت‌گذاری می‌تواند به تثبیت قیمت‌ها کمک کند، اما ممکن است به ایجاد بازار سیاه و کاهش کیفیت کالاها منجر شود.

۳. علاوه بر این، عوامل فرهنگی، ساختار اقتصادی و سیاست‌های اجتماعی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری نظام قیمت‌گذاری ایفا می‌کنند. برای مثال، در برخی کشورها، قیمت‌گذاری در بخش‌های خاصی مانند انرژی یا مواد غذایی به‌شدت تحت کنترل دولت است. یک نظام قیمت‌گذاری کارآمد باید انعطاف‌پذیر بوده و توانایی واکنش به تغییرات اقتصادی، اجتماعی و جهانی را داشته باشد. در واقع، قیمت‌گذاری مؤثر نقشی کلیدی در رشد اقتصادی و کاهش نابرابری‌ها ایفا می‌کند. از این رو، سیاست‌گذاران باید با در نظر گرفتن دقیق این عوامل، به طراحی یک نظام قیمت‌گذاری بهینه بپردازند. در یک جمع‌بندی

کلی می‌توان گفت که در کشورهای پیشرفته، نظام قیمت‌گذاری عمدتاً بر اصول بازار آزاد و رقابت استوار است؛ حال آنکه در کشورهای در حال توسعه، دولت و عوامل خارجی نقش برجسته‌تری ایفا می‌کنند. این تفاوت‌ها، تأثیرات عمیقی بر مسیر رشد اقتصادی و کیفیت زندگی در این کشورها بر جای می‌گذارند.

۳-۱. تاریخچه نظام قیمت‌گذاری در جهان

اصلاحات قیمت‌گذاری، در طول تاریخ، مجموعه‌ای از تحولات اقتصادی بنیادین با هدف بهبود کارایی بازار، تضمین رقابت عادلانه و رفع نابرابری‌های اجتماعی بوده است. این اصلاحات اغلب در واکنش به بحران‌های اقتصادی، تحولات فناورانه و دگرگونی در ایدئولوژی‌های سیاسی شکل می‌گیرند.

- **اصلاحات اولیه قیمت‌گذاری (قرن ۱۹):** در قرن نوزدهم، متفکرانی مانند آدام اسمیت و دیوید ریکاردو به دفاع از اصول بازار آزاد پرداختند. آن‌ها معتقد بودند که قیمت‌ها باید توسط عرضه و تقاضا تعیین شود تا مداخله دولت. توسعه زیرساخت‌هایی مانند راه‌آهن و در این دوره، نیاز به ایجاد ساختارهای قیمت‌گذاری عادلانه را ایجاب کرد که اغلب شامل نظارت دولتی برای جلوگیری از انحصارگرایی بود.
- **اصلاحات پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰):** پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از دولت‌ها سیاست‌های کینزی را اتخاذ کردند که شامل کنترل قیمت برای مبارزه با تورم و تثبیت اقتصاد بود. چندین کشور صنایع کلیدی خود (مانند آب و برق و حمل‌ونقل) را

ملی کرده و در این بخش‌ها، سیاست کنترل قیمت را برای تضمین دسترسی همگانی و مقرون‌به‌صرفه به خدمات ضروری اعمال کردند.

- **مقررات‌زدایی و آزادسازی (دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۰):** اواخر قرن بیستم شاهد تغییر به سمت سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی بود که بر مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی و کاهش مداخله دولت در بازار تأکید داشت. این دوره یک تغییر قابل‌توجه در اقتصاد جهانی بود که توسط ایدئولوژی‌های نئولیبرال هدایت می‌شد. این فلسفه اقتصادی از اصول بازار آزاد دفاع کرد.
- **جهانی‌سازی و اصلاحات قیمت‌گذاری (دهه ۱۹۹۰-۲۰۰۰):** پدیده جهانی‌شدن منجر به کاهش موانع تجاری و افزایش رقابت شد و بسیاری از کشورها را بر آن داشت تا استراتژی‌های قیمت‌گذاری خود را برای رقابت درصحنه جهانی، مجدد ارزیابی کنند.
- **تحولات اخیر (دهه ۲۰۱۰ تاکنون):** سیاست‌گذاران به این درک رسیدند که سازوکارهای ناکارآمد قیمت‌گذاری می‌توانند نابرابری‌های اقتصادی را تشدید کند و این موضوع، ضرورت اصلاحاتی را که دسترسی عادلانه به خدمات ضروری را تضمین کنند، بیشتر آشکار ساخت.

۳-۲. قیمت‌گذاری در کشورهای توسعه‌یافته

در کشورهای توسعه‌یافته، نظام‌های قیمت‌گذاری بر اساس بازار آزاد طراحی شده‌اند، اما دولت‌ها در برخی حوزه‌های حساس مانند مسکن، بهداشت و انرژی، مداخلاتی انجام می‌دهند.

- **ایالات متحده آمریکا:** قیمت‌گذاری عمدتاً آزاد است، اما دولت از ابزارهایی مانند کنترل حداقل دستمزد و تنظیم قیمت داروها استفاده می‌کند. تجربه کنترل قیمت سوخت در دهه ۱۹۷۰ نشان داد که این سیاست می‌تواند باعث ایجاد کمبود در بازار شود.
- **اتحادیه اروپا:** برخی کشورها مانند آلمان و فرانسه، قیمت‌گذاری برخی کالاهای استراتژیک مانند دارو را تنظیم می‌کنند. سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کنندگان در زمینه‌هایی مانند مسکن و انرژی اعمال می‌شود.

۳-۳. تجربیات کشورهای در حال توسعه

- **چین:** این کشور از مدل تعدیل تدریجی قیمت‌ها استفاده کرده و بسیاری از کالاها را به‌تدریج از کنترل دولتی خارج کرده است. بااین‌حال، کنترل شدید قیمت برخی کالاهای اساسی مانند مسکن و سوخت، همچنان وجود دارد.
- **هند:** دولت در برخی بخش‌ها مانند کشاورزی، یارانه‌هایی ارائه می‌دهد تا قیمت‌ها را کنترل کند. بازار آزاد برای سایر بخش‌ها اجرا شده است.
- **آمریکای لاتین (ونزوئلا و آرژانتین):** سیاست‌های کنترل قیمت شدید منجر به ایجاد بازارهای سیاه و کاهش تولید شده است.

۴-۳. تجربیات کشورهای عربی

اصلاح قیمت انرژی، در سال‌های اخیر، به‌ویژه در واکنش به نوسانات قیمت‌های جهانی و نیاز به کاهش یارانه‌ها، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. چندین کشور، به‌ویژه در شورای همکاری خلیج

فـارس، اصلاحاتـی را در قیمـت انـرژی بـرای بهبـود ثبـات مالـی و کاهش فشـار بـر بودجه دولـت آغاز کرده‌انـد. به‌طور سـنتی، دولت‌هـای عربی یارانه‌های سـنگینی به بخش انرژی اختصـاص می‌دادند تا قیمت‌هـا را بـرای حمایـت از شـهروندان پایین نگـه دارند؛ اما این سیاسـت به ناکارآمـدی اقتصادی و بـروز نگرانی‌هـای زیسـت‌محیطی منجر شـده اسـت. از این رو، کشـورهایی مانند عربسـتان سـعودی و امارات، اصلاحاتی را برای آزادسازی قیمت انرژی و نزدیک کردن آن به سطح قیمت‌های جهانی آغاز کرده‌اند. هدف از این اصلاحات، مهار مصرف بی‌رویه و ارتقای بهره‌وری انرژی است.

۳-۵. بررسی اجمالی تجربیات قیمت‌گذاری در ایران

نظـام قیمت‌گذاری در ایران به‌دلیل شـرایط ویژه اقتصـادی و اجتماعی، ماهیتی پیچیده و چندوجهی دارد. بهبـود وضعیـت اقتصـادی و اجتماعی کشـور، مسـتلزم پایـش و به‌روزرسـانی مداوم ایـن قوانین و سیاسـت‌ها اسـت. اسـتقرار یک نظـام قیمت‌گـذاری کارآمد و عادلانـه، نقش کلیدی در بهبود شـرایط اقتصـادی و افزایـش رفـاه اجتماعی ایفا می‌کند. در واقع، قیمت‌گـذاری کالا و خدمات، امروزه به یکی از مباحـث بنیادین تبدیل شـده اسـت؛ زیرا ایـن فرآیند، تمام زنجیره تولید تا مصـرف را تحت تأثیر قرار داده و بسـیاری از مؤلفه‌های کلیدی در روابط اقتصادی جامعه را نیز متأثر می‌سـازد. چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری در ایران، که در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه تبیین شده، به دنبال ایجاد تعادل میـان کنتـرل دولتی، آزادسـازی تدریجـی بازار و حمایـت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اسـت. در این چارچوب، اسـناد بالادسـتی، به‌ویژه برنامه‌های توسـعه پنج‌سـاله، نقش اصلی را در تعیین اصول و خط‌مشی‌های قیمت‌گذاری ایفا می‌کنند.

۳-۶. سیر تاریخی نظام قیمت‌گذاری در ایران (قبل از انقلاب اسلامی)

- **برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷-۱۳۳۴)**

برنامه اول عمرانی، در واقع مجموعه‌ای از طرح‌های عمرانی پراکنده بود که فاقد انسجام راهبردی بودند. اجـرای ایـن برنامـه مصادف با دوره‌ای از تحولات و تنش‌های سیاسـی داخلی و خارجـی در ایران بود و پس از آن دوره، دیدگاه‌های فنی و ملاحظات خارجی، اولویت بیشتری در برنامه‌های توسعه ایران یافت.

- **برنامه عمرانی دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱)**

برنامـه دوم عمرانـی بـرای اجرا در یک دوره هفت‌سـاله و بـا مجموع اعتبار ۷۰ میلیـارد ریال به تصویب مجلس شورای ملی رسید. اهداف اصلی این برنامه عبارت بودند از:

- افزایش تولید و توسعه صادرات
- تأمین نیازهای اساسی مردم در داخل کشور
- توسعه کشاورزی و صنایع
- اکتشاف و بهره‌برداری از معادن و منابع زیرزمینی
- بهبود بهداشت عمومی و تکمیل زیرساخت‌های ارتباطی
- ارتقای سطح معیشت مردم

- **برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶)**

برنامـه سـوم عمرانـی، سـرمایه‌گذاری عمومـی به ارزش ۱.۸۷ میلیارد دلار را شـامل می‌شـد. ایـن برنامه به سـرمایه‌گذاران خصوصی اجازه می‌داد تا در رشـد ملی مشارکت کنند و در مجموع، موفق‌تر از دو برنامه

پیشین بود. شایان ذکر است که از برنامه سوم به بعد، یک انحراف کلیدی در ارزیابی برنامه‌های توسعه ایران شکل گرفت. از آن زمان، عملکرد برنامه‌ها نه بر اساس میزان تحقق اهداف اولیه، بلکه بر مبنای رشد متغیرهای کلان اقتصادی سنجیده شد. این رویکرد باعث شد که اهداف اقتصادی اولیه برنامه، در ارزیابی نهایی کاملاً نادیده گرفته شود.

- **برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱)**

در برنامه چهارم، رشد اقتصادی با تأکید بر توسعه صنعتی مورد توجه دولت قرار گرفت؛ به‌طوری‌که سهم بخش کشاورزی نسبت به برنامه پیشین کاهش چشمگیری یافت و حتی ارزش مطلق آن نیز روند نزولی پیدا کرد. الگوی توسعه در این برنامه، صنعتی‌سازی کشور بود. برنامه چهارم عمرانی در مجموع به رشد اقتصادی چشمگیری در ایران منجر شد. این برنامه به‌عنوان یکی از نقاط اوج توسعه اقتصادی ایران پیش از انقلاب و بخشی از تلاش‌های حکومت پهلوی دوم برای مدرنیزاسیون و صنعتی‌سازی کشور شناخته می‌شود.

- **برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶)**

این برنامه که بخشی از دوران پهلوی دوم در ایران است؛ یکی از مهم‌ترین برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به شمار می‌رفت. این برنامه در چارچوب برنامه‌های پنج‌ساله تدوین شده و تلاش داشت تا در بخش‌های مختلفی همچون صنعت، کشاورزی، بهداشت، آموزش و زیرساخت‌های اقتصادی، تحولات عمده‌ای را به وجود آورد. بااین‌حال، ضمن نقاط قوتی که داشت، با چالش‌ها و مشکلاتی ازجمله تمرکز بیشتر بر توسعه شهری و مراکز صنعتی بزرگ، مواجه بود.

۳-۷. سیر تاریخی نظام قیمت‌گذاری در ایران (بعد از انقلاب اسلامی)

- **چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری در برنامه توسعه اول ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)**

برنامه اول توسعه در شرایطی تدوین شد که کشور در حال بازسازی اقتصادی پس از جنگ ایران و عراق بود. این برنامه با اهداف کلانی همچون بازسازی زیرساخت‌ها، توسعه اقتصادی، کنترل تورم و بازگرداندن ثبات به اقتصاد کشور طراحی شد و سیاست‌های قیمت‌گذاری نیز به عنوان یکی از ابزارهای اصلی در این چارچوب عمل می‌کردند. دولت در چارچوب این برنامه، از سیاست‌های قیمت را برای مهار تورم و جلوگیری از افزایش شدید قیمت‌ها در بازار بکار گرفت. ویژگی اصلی نظام قیمت‌گذاری در این دوره، رویکردی کاملاً دولت‌محور و مبتنی‌بر مداخله گسترده در بازار بود. دولت تلاش کرد تا با استفاده از ابزارهایی مانند یارانه‌ها، قیمت‌گذاری دستوری و مداخلات ارزی، اقتصاد پس از جنگ را بازسازی کند و از مردم در برابر فشارهای تورمی محافظت نماید.

- **چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری در برنامه توسعه دوم ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)**

در برنامه دوم توسعه ایران، چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری با تأکید بر کاهش مداخلات دولت در اقتصاد و حرکت به سمت سازوکارهای بازار (اقتصاد آزاد) تنظیم شد. این برنامه در راستای اصلاحات اقتصادی و تعدیل ساختاری طراحی شده بود و سیاست‌های کلان اقتصادی آن بر بازسازی اقتصاد پس از جنگ تحمیلی و دستیابی به اهدافی چون افزایش بهره‌وری، رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی متمرکز بود. یکی از محورهای اصلی برنامه دوم توسعه، کاهش تدریجی مداخلات دولت در تعیین قیمت‌ها بود. در مجموع، برنامه دوم توسعه از یک سو با دستاوردهایی در حوزه رشد

اقتصـادی و سـرمایه‌گذاری همراه بود، اما از سـوی دیگر با چالش‌های جـدی در زمینه تورم، نارضایتی عمومی و عدم تحقق برخی اهداف مواجه شد. این تجربیات به‌عنوان درس‌آموخته‌هایی در برنامه‌های بعدی مورد استفاده قرار گرفت و نشان داد که علاوه بر مسائل اقتصادی، توجه به جنبه‌های فرهنگی- اجتماعی و سیاست‌گذاری جامع، امری ضروری است [۲۱].

- **چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری در برنامه سوم توسعه ایران (۱۳۸۰-۱۳۸۴)**

در برنامه سـوم توسـعه، چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری، مبتنی بر ادامه سیاسـت‌های آزادسـازی اقتصـادی و کاهـش مداخلات دولت در اقتصاد بود. این برنامه با هدف تسـریع اصلاحات اقتصادی و بازسـازی سـاختارهای کلان کشـور، رویکردهـای مهمـی را به‌طـور خـاص در حـوزه قیمت‌گـذاری و سیاسـت‌های یارانـه‌ای در پیـش گرفـت. برنامه سـوم توسـعه با چالش‌هـای متعددی مواجه شـد که اجـرای سیاسـت‌ها و تحقـق اهداف آن را با موانع جدی روبرو سـاخت. این چالش‌هـا به‌ویژه در حوزه قیمت‌گذاری برجسـته بودند و به‌طور مسـتقیم بر رفاه مردم و رشـد اقتصادی کشور تأثیرات نامطلوبی بر جـای گذاشـتند. ایـن تجربیات، ضرورت بازنگـری و اصلاحات بنیادین در سیاسـت‌های اقتصادی و قیمت‌گذاری را برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، بیش از پیش آشکار ساخت.

- **چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری در برنامه چهارم توسعه ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)**

در برنامـه چهـارم توسـعه، چارچـوب حاکم بـر نظام قیمت‌گذاری بـا هدف حرکت به سـمت بازار آزاد و کاهـش مداخلـه دولـت در قیمت‌گـذاری کالاهـا و خدمات، مجدد طراحی شـد. ایـن چارچوب که

بر اساس سیاست‌های کلی نظام و چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور تدوین شده بود، اهدافی چون ایجاد بسترهای لازم برای رقابت‌پذیری، افزایش کارایی اقتصادی و کاهش انحصار را دنبال می‌کرد. اصل بنیادین این سیاست آن بود که قیمت‌ها به‌جای قیمت‌گذاری دستوری، از طریق سازوکار بازار (عرضه و تقاضا) تعیین شوند [۲۲].

- **چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری در برنامه پنجم توسعه ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)**

در برنامه پنجم توسعه، نظام قیمت‌گذاری تحت تأثیر چندین چارچوب و عامل کلیدی قرار داشت که به منظور تحقق اهداف توسعه‌ای و اقتصادی کشور طراحی شده بودند. هدف اصلی این برنامه، ایجاد فضایی مبتنی‌بر سازوکار عرضه و تقاضا و کاهش مداخلات دولت در فرایند قیمت‌گذاری بود. با این حال، با توجه به مشکلات اقتصادی و تورم بالا در آن دوره، سیاست‌گذاران کوشیدند تا با تنظیم قیمت‌ها، مهار تورم را در اولویت قرار دهند. برای این منظور، استفاده از ابزارهایی مانند یارانه‌ها و نرخ‌های حمایتی برای کالاهای اساسی مد نظر قرار گرفت. یکی از اقدامات مهم در این برنامه، طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بود که به‌منظور کاهش فشار بر اقشار کم‌درآمد و بهبود توزیع ثروت طراحی شده بود. بااین‌وجود، برنامه پنجم توسعه، اگرچه با اهداف بلندپروازانه‌ای طراحی شده بود، اما به دلیل چالش‌های مذکور و عوامل دیگر، در تحقق کامل اهداف خود ناکام ماند. موفقیت برنامه‌های توسعه آینده، مستلزم اصلاحات اساسی در سیاست‌های اقتصادی، تقویت شفافیت و کاهش مداخلات دولتی است [۲۳].

- **چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری در برنامه ششم توسعه ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)**

چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری در برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، با هدف تنظیم و بهینه‌سازی قیمت‌ها، تأمین رفاه اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی مردم طراحی شد. این چارچوب به دنبال آن بود که ضمن تأمین نیازهای اقتصادی کشور، به ایجاد ثبات و پایداری در قیمت‌ها نیز یاری رساند [۲۴]. یکی از اهداف اصلی برنامه ششم، مهار تورم و ایجاد ثبات اقتصادی از طریق بهینه‌سازی سازوکارهای قیمت‌گذاری بود. افزایش بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصادی، ازجمله کشاورزی، صنعت و خدمات، نیز از دیگر اهداف کلیدی این برنامه محسوب می‌شد. رویکرد اصلی این برنامه، واگذاری قیمت‌گذاری به سازوکار بازار بود تا از این طریق، رقابت سالم تقویت شده و قیمت‌ها کاهش یابد. بااین‌وجود، کنترل دولت بر قیمت برخی کالاهای اساسی و خدمات عمومی حفظ شد.

- **چارچوب حاکم بر نظام قیمت‌گذاری در برنامه هفتم توسعه ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷)**

برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران، چارچوب‌های مشخصی را برای نظام قیمت‌گذاری ارائه می‌دهد. هدف این برنامه، افزایش شفافیت در فرایند قیمت‌گذاری و بهبود اطلاع‌رسانی به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است. انتظار می‌رود این شفافیت، به کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی به بازار منجر شود. تشویق رقابت در بازارهای مختلف، یکی از اهداف اصلی این برنامه است تا قیمت‌ها به‌صورت طبیعی و بر اساس سازوکار عرضه و تقاضا تعیین شوند. در نهایت، هدف غایی نظام قیمت‌گذاری در برنامه هفتم، ایجاد یک محیط اقتصادی پایدار و عادلانه است؛ محیطی که

منافع تمام ذی‌نفعان (تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و دولت) را تأمین کند. این برنامه می‌کوشد تا از طریق ایجاد شفافیت، تقویت رقابت سالم، اعمال نظارت مؤثر و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، اقتصاد ج.ا.ایران را به سمت رشد و توسعه پایدار هدایت کند.

۳-۸. نهادهای متولی قیمت‌گذاری در ایران

در ایران، نهادها و سازمان‌های متعددی مسئولیت قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، به‌ویژه کالاهای اساسی و استراتژیک، را بر عهده دارند. هدف اصلی این نهادها، تنظیم بازار، کنترل قیمت‌ها، حمایت از مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و ایجاد تعادل در اقتصاد است. این نهادها می‌کوشند تا از طریق سیاست‌گذاری، نظارت و تنظیم قیمت‌ها، به حفظ ثبات اقتصادی و جلوگیری از نوسانات شدید یاری رسانند. تمامی این اقدامات بر اساس قوانین و سیاست‌های دولت و با توجه به شرایط اقتصادی کشور صورت می‌گیرد [۲۵]. مهم‌ترین نهادهای متولی قیمت‌گذاری در ایران عبارت‌اند از:

- شورای اقتصاد
- مجلس شورای اسلامی ایران
- سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان
- وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت)
- شورای رقابت
- سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی
- ستاد هدفمندی یارانه‌ها

- سازمان برنامه‌وبودجه
- شرکت بورس انرژی ایران
- بورس کالایی ایران
- سازمان تعزیرات حکومتی
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- نهاد متولی قیمت‌گذاری برق در ایران
- سازمان بازرسی کل کشور

۳-۹. آسیب‌شناسی تعدد نهادهای متولی قیمت‌گذاری در ایران

آسیب‌شناسی تعدد نهادهای متولی قیمت‌گذاری، برای تضمین عدالت اجتماعی، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، امری ضروری است. قیمت‌گذاری نادرست و ناهماهنگی میان این نهادها می‌تواند به نوسانات قیمتی، تورم و حتی رکود اقتصادی منجر شود. در ایران، این تعدد نهادها چالش‌های جدی ایجاد کرده و به ناپایداری اقتصادی و اجتماعی دامن زده است. بهبود این وضعیت مستلزم هماهنگی بیشتر، افزایش شفافیت و اتخاذ سیاست‌هایی مبتنی بر سازوکار بازار و نیازهای واقعی اقتصاد است. در ادامه، به مهم‌ترین چالش‌ها و آسیب‌های ناشی از تعدد نهادها در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات در ایران پرداخته می‌شود:

- عدم هماهنگی بین نهادها
- تعارض منافع

- تورم و نوسانات قیمتی
- کاهش کیفیت کالاها و خدمات
- عدم شفافیت و دسترسی به اطلاعات
- تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری
- مشکلات اجتماعی و سیاسی
- تأثیرات منفی بر صادرات و واردات
- اختلال در تعادل بازار

۳-۱۰. کالاهای مشمول قیمت‌گذاری در ایران

کالاهای مشمول قیمت‌گذاری در ایران به کالاهایی اطلاق می‌شود که دولت یا نهادهای مرتبط، قیمت آن‌ها را تعیین یا کنترل می‌کنند. این نوع قیمت‌گذاری به‌منظور حمایت از مصرف‌کننده (جلوگیری از افزایش ناگهانی قیمت‌ها که می‌تواند به اقشار کم‌درآمد فشار وارد کند)، تأمین عدالت اجتماعی (از طریق تضمین دسترسی به کالاهای ضروری برای تمام اقشار جامعه) و کنترل بازار (با هدف جلوگیری از انحصار و رانت‌خواری در بازار کالاهای اساسی) صورت می‌گیرد. کالاهای مشمول قیمت‌گذاری در دسته‌های اصلی زیر قرار می‌گیرند:

۱. کالاهای اساسی: مانند نان، برنج، روغن، تخم‌مرغ، شیر و سایر مواد غذایی ضروری.

۲. کالاهای دارویی: داروهایی که برای تأمین سلامت عمومی جامعه حیاتی هستند.

۳. خدمات اساسی: خدمات عمومی نظیر آب، برق و گاز.

۴. گزینه‌های سیاستی پیشنهادی

بررسی تجربیات جهانی نشان می‌دهد که نظام‌های قیمت‌گذاری، فرآیندهایی پیچیده هستند که عمیقاً تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور قرار دارند و پیامدهای گسترده‌ای بر جای می‌گذارند. به‌عنوان مثال، قیمت‌گذاری حمایتی اگرچه با هدف حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه انجام می‌شود، اما مدیریت نادرست، می‌تواند به کاهش کیفیت کالاها و خدمات منجر شود. از سوی دیگر، قیمت‌گذاری دستوری و غیرمنصفانه، انگیزه تولیدکنندگان را تضعیف کرده و در نتیجه به کمبود کالا و افزایش وابستگی به واردات می‌انجامد. این رویکرد در کوتاه‌مدت ممکن است به ثبات قیمت‌ها کمک کند، اما در بلندمدت می‌تواند به کمبود عرضه و ایجاد بازار سیاه منجر شود. در مقابل، قیمت‌گذاری مبتنی بر بازار، با ایجاد انعطاف‌پذیری و واکنش به تغییرات عرضه و تقاضا، به تخصیص بهینه منابع منجر می‌شود. بااین‌وجود، تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که نظارت و کنترل مؤثر بر قیمت‌ها نیز برای جلوگیری از سوءاستفاده و انحصار، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. تجربه جهانی نشان می‌دهد که هیچ رویکرد واحدی در قیمت‌گذاری به تنهایی موفق نیست و ترکیبی از روش‌های مختلف، همراه با سیاست‌های حمایتی و نظارتی مناسب، می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها منجر شود. در نهایت برای دستیابی به یک نظام قیمت‌گذاری کارآمد، مستلزم ترکیبی متوازن از سازوکارهای بازار، نظارت مؤثر و حمایت‌های هوشمندانه دولتی است. چنین ترکیبی می‌تواند تعادل میان منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را برقرار کرده و در نتیجه، به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی بینجامد.

در مجموع، موافقان مداخله در قیمت‌گذاری در ایران، با استناد به اهدافی چون حمایت از اقشار کم‌درآمد، کنترل بازار و حفظ تولید داخلی، از این رویکرد دفاع می‌کنند. بااین‌حال، باید توجه داشت که قیمت‌گذاری دستوری در بلند مدت می‌تواند به اخلال در سازوکار بازار، کاهش کیفیت و کمبود عرضه منجر شود. بنابراین، ایجاد تعادلی هوشمندانه میان مداخله دولتی و سازوکارهای بازار، امری ضروری است.

در مقابل، مخالفان قیمت‌گذاری دستوری، حامی رویکرد مبتنی بر بازار هستند. از دیدگاه آنان، مداخله در قیمت‌گذاری کالاها، به‌ویژه کالاهای اساسی، می‌تواند پیامدهای نامطلوب اقتصادی و تورمی قابل توجهی به همراه داشته باشد. این آثار ممکن است به شکل‌های مختلفی بروز پیدا کنند. آن‌ها معتقدند که قیمت‌گذاری دستوری با افزایش هزینه‌های تولید، کاهش کیفیت و ایجاد اختلال در زنجیره تأمین، به تولید آسیب می‌زند. همچنین، این رویکرد با ایجاد زمینه برای احتکار، به توزیع ناعادلانه کالاها دامن می‌زند. زمانی که قیمت‌های دستوری پایین‌تر از قیمت‌های واقعی بازار تعیین شوند، زمینه برای شکل‌گیری بازارهای سیاه فراهم می‌شود. در این بازارها، کالاها با قیمت‌های بالاتر به فروش می‌رسند که نتیجه آن، کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان و تشدید فشارهای تورمی است. این پدیده در سال‌های اخیر در بازار خودروی ایران کاملاً مشهود بوده است. علاوه بر این، قیمت‌گذاری دستوری می‌تواند انتظارات تورمی را در جامعه تشدید کند؛ زیرا اگر مصرف‌کنندگان پیش‌بینی کنند که قیمت‌ها در آینده افزایش خواهد یافت، تقاضای خود را به زمان حال منتقل می‌کنند که این امر، خود به افزایش قیمت‌ها دامن می‌زند. در نهایت،

قیمت‌گذاری نامنسجم و غیرقابل‌پیش‌بینی به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به سیاست‌های اقتصادی دولت منجر می‌شود؛ این بی‌اعتمادی نیز به نوبه خود، سرمایه‌گذاری و تولید را تضعیف می‌کند. اصلاح نظام قیمت‌گذاری در ایران، که سال‌ها با چالش‌هایی نظیر مداخله‌های دولتی، نوسانات ارزی و مشکلات ساختاری مواجه بوده، نیازمند یک رویکرد جامع و چندبعدی است. این به آن معنا نیست که باید رویکرد بازار آزاد را بی‌درنگ مبنای کار قرار داد؛ بلکه اصلاحات باید به‌تدریج و با آگاهی کامل صورت پذیرد. با این وجود، باید در نظر داشت که رویکرد مبتنی بر بازار می‌تواند در قیمت‌گذاری برخی کالاها مفید واقع شود. در ادامه، برخی اقدامات پیشنهادی برای اصلاح نظام قیمت‌گذاری در ایران ارائه می‌شود. باید تأکید کرد که هدف از این اصلاحات، حرکت به سمت یک نظام قیمت‌گذاری کارآمدتر است که هم تولید و رقابت را تشویق کند و هم به بهبود رفاه عمومی منجر شود.

- **حذف تدریجی قیمت‌گذاری دستوری:** بسیاری از کالاها و خدمات در ایران تحت قیمت‌گذاری دستوری قرار دارند که باعث ایجاد بازار سیاه، کمبود عرضه و کاهش کیفیت شده است. حذف تدریجی قیمت‌گذاری دستوری و حرکت به سمت تعیین قیمت‌ها بر اساس عرضه و تقاضا می‌تواند باعث بهبود وضعیت اقتصادی شود.
- **تقویت رقابت در بازار:** ایجاد و تقویت فضای رقابتی در بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله صنعت، کشاورزی و خدمات، می‌تواند به افزایش کارایی اقتصادی و در نهایت، کاهش قیمت‌ها بینجامد.

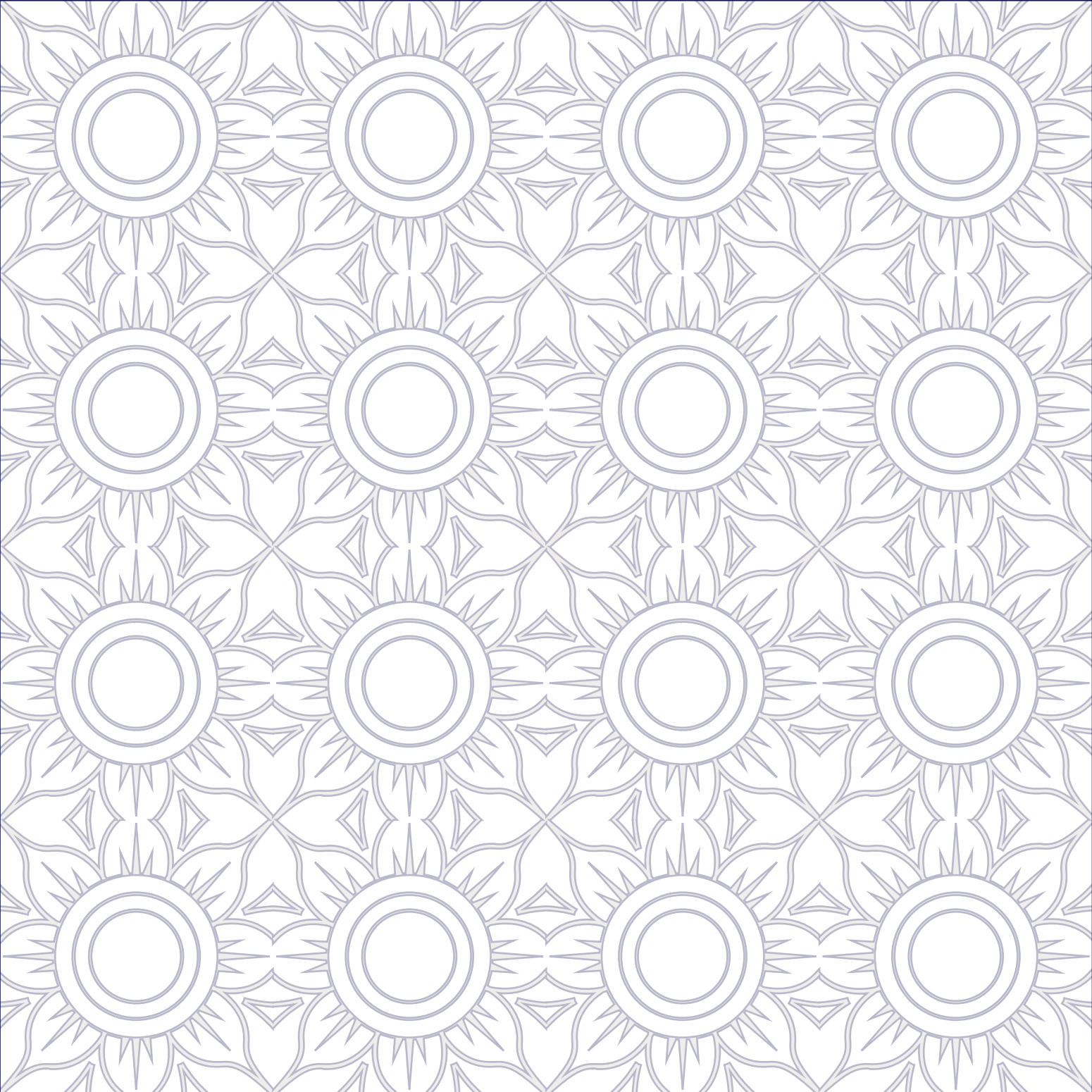
- **کاهش مداخلات غیرضروری دولتی:** دولت باید به‌جای مداخله مستقیم در تعیین قیمت‌ها، به نظارت و تنظیم بازارها بپردازد. این نظارت‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که از احتکار، افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و ایجاد بازارهای انحصاری جلوگیری شود. درعین‌حال، با مداخله کمتر در قیمت‌گذاری، اجازه دهد تا سازوکار بازار کار خود را انجام دهد.
- **تثبیت سیاست‌های پولی و مالی:** یکی از مشکلات اساسی نظام قیمت‌گذاری در ایران، نوسانات ارزی و تورم بالا است. برای کنترل تورم و کاهش نوسانات قیمتی، لازم است سیاست‌های پولی و مالی کشور به‌گونه‌ای تثبیت شوند که اعتماد به ارزش پول ملی افزایش یابد.
- **حمایت از تولید داخلی:** حمایت هوشمندانه از تولید داخلی می‌تواند منجر به کاهش وابستگی به واردات و در نتیجه، تثبیت قیمت‌ها را در پی داشته باشد. این حمایت باید به‌گونه‌ای طراحی شود که به تولیدکنندگان در راستای افزایش بهره‌وری و کیفیت محصولاتشان یاری رساند و نباید صرفاً به تخصیص منابع یارانه‌ای محدود شود.
- **شفافیت در اطلاعات اقتصادی:** ایجاد شفافیت در اطلاعات اقتصادی، فعالان بازار (اعم از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان) را توانمند می‌سازد تا تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند. این شفافیت می‌تواند شامل دسترسی آزاد به داده‌های قیمت، آمار عرضه و تقاضا، و اطلاعات مربوط به موجودی انبارها باشد.
- **تغییر در ساختار یارانه‌ها:** یارانه‌ها در ایران، به‌ویژه در بخش‌های انرژی و کالاهای اساسی، اغلب به ناکارآمدی در مصرف و بروز فساد منجر می‌شوند. اصلاح ساختار این یارانه‌ها

و جایگزینی آن‌ها با پرداخت‌های نقدیِ هدفمند به اقشار آسیب‌پذیر، می‌تواند نظام قیمت‌گذاری را به شکل مؤثری بهبود بخشد.

- **ایجاد بسترهای مناسب برای تجارت الکترونیک:** تجارت الکترونیک و پلتفرم‌های آنلاین، نقش مهمی در افزایش شفافیت قیمت‌ها و کاهش هزینه‌های توزیع ایفا می‌کنند. دولت باید از گسترش زیرساخت‌های دیجیتال و تجارت الکترونیک حمایت بیشتری به عمل آورد تا مصرف‌کنندگان بتوانند با دسترسی بهتر به اطلاعات، تصمیمات هوشمندانه‌تری اتخاذ کرده و رقابت میان عرضه‌کنندگان افزایش یابد.
- **اصلاح نظام مالیاتی:** یک نظام مالیاتی کارآمد می‌تواند نقش مهمی در اصلاح نظام قیمت‌گذاری ایفا کند. مالیات بر درآمد، ارزش‌افزوده و سایر مالیات‌های غیرمستقیم باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که به افزایش بهره‌وری اقتصادی و کاهش هزینه‌های تولید بینجامند و از تحمیل بار اضافی بر دوش تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جلوگیری کنند.
- **کاهش موانع بوروکراتیک برای تولید و واردات:** بسیاری از تولیدکنندگان و واردکنندگان در ایران با بروکراسی پیچیده و موانع متعدد اداری دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ موانعی که هزینه‌ها و در نهایت، قیمت تمام‌شده کالاها را افزایش می‌دهد. اصلاح و ساده‌سازی این قوانین و مقررات می‌تواند کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی را در پی داشته باشد.

اجرای این سیاست‌ها و الگوها، مستلزم اراده سیاسی، همکاری میان بخش خصوصی و دولت و ایجاد بسترهای قانونی و زیرساختی مناسب است. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از تجربیات کشورهای موفق و

از طریق طراحی و اجرای یک نظام قیمت‌گذاری کارآمدتر، به رشد اقتصادی و رفاه عمومی بیشتری دست یابد. البته، تجربیات موفق جهانی می‌تواند منبع الهام ارزشمندی باشد، اما این تجربیات باید با توجه به شرایط خاص ایران و چالش‌های ناشی از تحریم‌ها بومی‌سازی شوند. بااین‌حال، هرگونه اصلاحی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در عین حفظ عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، به تقویت اقتصاد و کاهش اثرات منفی تحریم‌ها یاری رساند.



منابع

1. Alicia Tuovila. (15 June 2024). What Is Deadweight Loss, How It’s Created, and Economic Impact. Investopedia.
2. John Kennet Galbraith. (1980). A Theory of Price Control. London: Harvard University Press.
3. Justin-Damien Guénette. (April 2020). Price Controls, Good Intentions, Bad Outcomes. World Bank Group.
4. Thomas T. Nagle, Georg Müller, Evert Gruyaert. (2023). The Strategy and Tactics of Pricing, A Guide to Growing More Profitably. Taylor and Francis group.
5. (2020). HIGHLIGHTS from Special Focus 1: Price Controls: Good Intentions, Bad Outcomes. World Bank.
6. Franco Sassi, Annalisa Belloni, Andrew J Mirelman, Marc Suhrcke, Alastair Thomas. (2019). EQUITY IMPACTS OF PRICE POLICIES TO PROMOTE HEALTHY BEHAVIOURS. National library of Medicine.
7. Robert Van Cleef. (December 2023). Pricing in a Market with Disruption. publications pricing society.
8. Niels Adler Nicolas Magnette. (2022). Pricing during inflation: Active management can preserve sustainable value. McKinsey.
9. Thomas Sterner, Jens Ewald. (April 2024). Economists and the climate. Journal of Behavioral and Experimental Economics.

10. Peter Simpa, Niko Okina Solomon, Olubunmi Adeolu Adenekan & Scholar Chinenye Obasi. (May 2024). Strategic implications of carbon pricing on global environmental sustainability and economic development: A conceptual framework. International Journal of Advanced Economics, Volume 6, Issue 5.
11. Ahreum Han, Keon-Hyung Lee, Jong-sun Park. (2022). The impact of price transparency and competition on hospital costs: A research on all-payer claims databases. National Library of medicine.
12. Ken Gwilliams. (2017). Transport Pricing and Accessibility. Brookings.
13. Prof. Allan Fels AO. (Feb 2024). NQUIRY INTO PRICE GOUGING AND UNFAIR PRICING PRACTICES. Australian Council Of Trade Anions.
14. Stefano Carattini, Maria Carvalho, Sam Fankhauser. (Sep 2018). Overcoming public resistance to carbon taxes. Wiley.
15. (2023). Water. Water Bank Group.
16. Fang Zong, Meng Zeng. (Feb 2024). Congestion pricing for sustainable urban transportation systems considering carbon emissions and travel habits. Sustainable Cities and Society.
17. Thomas Flochel, Sudarshan Gooptu. (2017). The Energy Subsidy Reform Assessment Framework (ESRAF) GOOD PRACTICE NOTES Toward Evidence-Based Energy Subsidy Reforms. World Bank Group.
18. Presley K. Wesseh Jr., Presley K. Wesseh Jr. (Nov 2022). A time-of-use pricing model of the electricity market considering system flexibility. Energy Reports.
19. (10 November 2022). Global Outlook on Financing for Sustainable Development 2023. OECD.
20. Ananthakrishnan Prasad, Elena Loukoianova, Alan Xiao Chen Feng, William Oman. (2022). Mobilizing Private Climate Financing in Emerging Market and Developing Economies. IMF.

۲۱. محمود ختائی، اکبر نفری بهروز هادی زنوز. (۱۳۷۷). نقد وارزیابی جهت گیری ها و هدفهای کلی برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی. پژوهش های اقتصادی ایران.
۲۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۶). مروری بر اهداف قانون برنامه چهارم توسعه. دفتر مطالعات برنامه و بودجه.
۲۳. صفر محمدی، و طاهر شریف‌پور. (تابستان ۱۴۰۰). سهم ارزش‌افزوده بخش‌های اقتصادی در رشد تولید ناخالص داخلی در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران. اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی شماره ۴.
۲۴. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۶). سازمان برنامه‌وبودجه.
۲۵. بررسی نهادها، روش‌ها، سیاست‌ها و قوانین قیمت‌گذاری در ایران و آسیب‌شناسی نظام قیمت‌گذاری کالاهای منتخب و ارائه راهکارهای بهبود. (۱۳۹۷). موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

گزارش سیاستی

قیمت‌گذاری کالا و خدمات از جمله چالش برانگیزترین مباحث در عرصه سیاستگذاری در ایران و جهان است. بررسی تجارب جهانی نشان می‌دهد کنترل مؤثر بر قیمتها نیز برای جلوگیری از سوءاستفاده و انحصار، نقشی کلیدی ایفا می کند. از سوی دیگر، قیمت‌گذاری دستوری و غیرمنصفانه، انگیزه تولیدکنندگان را تضعیف کرده و در نتیجه به کمبود کالا و افزایش وابستگی به واردات می انجامد. یک نظام قیمت‌گذاری کارآمد ،مستلزم ترکیبی متوازن از سازوکارهای بازار، نظارت مؤثر و حمایت‌های هوشمندانه دولتی است. چنین ترکیبی می تواند تعادل میان منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را برقرار کرده و در نتیجه، به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی بینجامد.

پژوهشکده مطالعات فناوری

تهران- خیابان ستارخان- خیابان حبیب‌اله
تقاطع خیابان سروش یکم- پلاک ۹۶
www.tsi.ir

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری